Kh\_Osul\_SMJShobeiri\_981022

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۲ دی ۹۸

درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری

مبحث لا ضرر

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

در مورد مفاد لا ضرر و لا ضرار صحبت می‌کردیم. در مورد ضرر آقای سیستانی می‌فرمایند که در سه مرحله باید بحث کرد. یکی مادة ضرر، یکی هیئت اِفرادی ضرر، و یکی هیئت ترکیبی ضرر.

در مورد مادة ضرر معانی مختلفی را ذکر می‌کنند و در مقام در اینکه کدام یک از این معانی معنای اصلی هستند برآمدند. و بعد هم وارد هیئت افرادی و سپس هیئت ترکیبی شدند.

وارد جزئیات بحث نمی‌شوم. فقط یکی دو تا نکتة کلی عرض می‌کنم، بحث را از یک زاویة دیگری دنبال می‌کنم. یک بحث این است که معانی مختلفی که ایشان برای مادة ضرر ذکر کردند بعضی‌هایشان معنای مادة ضرر نیست. معنای یک مشتق خاص هست. و به طور کلی برای ماده آن معنا نیست. مثل ضرر به معنای اِماء، نابینایی. ضرر به معنای مرض. آن هم شاید همینجور باشد. در مورد یک مادة خاص شاید باشد. نکتة دوم اینکه ایشان یک مبانی در کشف معنای اصلی این واژه دنبال کردند. یک اصلی را قرار دادند که در اصل لغت، اوّل معانی محسوس بوده، بعد معانی غیر محسوس در شرایط بعدی در مورد کلمه مطرح شده. که ما اینجا دو نکته را عرض می‌کردیم. یکی اینکه آن تشخیص وضع اصلی خیلی راحت نیست. یک مقداری وابسته به این است که بدانیم زمانی که این کلام وضع شده کی بوده. ما خیلی تاریخ وضع لغات را به راحتی نمی‌توانیم تشخیص بدهیم. لغات آیا زمانی بوده که افراد با معانی مجرّد و بریده از معانی حسّی آشنا بودند، آشنا نبودند. تاریخ وضع کلمات خیلی دشوار هست. علاوه بر اینکه تاریخ اصل زبان عربی سخت است که عربی کی ایجاد شده. و ایجاد شدن واژه‌ها یک باره نبوده. به تدریج خیلی از واژه‌ها اضافه شده. تشخیص زمان وضع کلمات به این راحتی نیست. خیلی باید آدم دنبال اینها باشد. خیلی وقت‌ها واژه‌ها برگرفته از یک زبان‌های کهن هستند. در یک زبان دیگری این واژه شکل گرفته. دورة تطور و تکاملش را در زبان‌های دیگر گذرانده به صورت متکامل وارد زبان عربی شده. خیلی از واژه‌ها اینجوری است. ضرر آیا در زبان‌های سوریانی، عبری که ریشه‌های قدیمی زبان عربی هستند سابقه دارند، ندارند. من اینها را نمی‌دانم، اینها را طبیعتاً باید یک مقداری دنبال کرد.

نکتة مهم‌تر نکتة دیگر است. اینکه اصل لغت هر چی می‌خواهد باشد، باشد. این خیلی مهم نیست. مهم این است که در حالت فعلی این واژه به چه معنایی است. در زمان صدور. حالا فرض کنید در زمان‌هایی که لغت ایجاد شده، مردم توانایی درک مفاهیم مجرد را نداشتند این ملازمه با این ندارد که زمان صدور احادیث این درک را نداشته باشند. ممکن است یک وضع تعیّنی واسعی در آن زبان پیدا کرده باشد. ممکن است وضع تعیّنی مضیّق پیدا کرده باشد. ممکن است وضع تعیینی. همه جورهایی ممکن است. در نتیجه ما باید عمدتاً به جای پرداختن به بحث‌های کلی و بحث‌هایی که یک مقداری استنباطی در لغت به قواعد دیگر بپردازیم. قواعدی مثل کلمات لغویون را بررسی کنیم. استعمالات را بررسی کنیم، ببینیم استعمال با تجوّز بدون تجوّز است. قواعدی که موضوع له کلمات را تشخیص داده می‌شود آن قواعد را دنبال کنیم. روی همین جهت بحث اصلاً بحث‌های کلی در مورد هیئت افرادی هم خیلی جا ندارد. یک سری نکات مبنایی آقای سیستانی در بحث هیئت افرادی طرح می‌کنند، بحث‌های خوبی است ولی در جای خودش باید بحث بشود، خیلی به نظرم در این بحث نقش‌آفرین نیست. و بحث‌هایی هست، مبدأ خفی، مبدأ جلی و مبانی جالب توجهی است که چه آدم بپذیرد، چه نپذیرد مبانی خوبی هست که انسان باید به آن توجه بکند و نکات قابل بحثی است. ولی خیلی به نظرم در این بحث وابسته به تنقیح این مبانی نیست. روی همین جهت ما برای اینکه خیلی بحثمان طولانی نشود خیلی از این بحث‌ها را درز می‌گیریم. من رفتم در کتاب‌های لغت دو مرحله بحث را دنبال کردم. یک کتاب‌های لغت چیزهایی که کلمة ضرر فقط وجود دارد، نه ریشه‌های دیگر، ضَرّ و ضُرّ و ضارورا و تضرّه و مضرّه، چیزهای دیگری که مشتقات دیگر این ماده هستند آنها را مد نظر نداشتم. اینها را دنبال کردم ببینیم چه معانی برای این واژه ذکر کردند.

نکتة دوم استعمالات. ضرر در استعمالات به چه معنایی به کار رفته. آن هم مرحلة دوم بحث.

یک مقداری ارتباطات معنوی چیزهای لغت را عرض می‌کنم.

لسان العرب، جلد ۹، مادة ضرر، صفحة ۳۲. ضرّه یضرّه ضرّاً و ضَرّ به و اَضرّ به و ضارّه مضارةً و ضراراً بمعنی. ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید را به یک معنا گرفته. و الاسم الضرر. اسم مصدر اینجا گرفته شده.

در مورد اینکه آیا ضرر اسم مصدر است و مصدر و تأثیرش در این بحث بعداً صحبت می‌کنم.

و روی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم أنّه قال لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام. قال و لکل واحد من اللفظین معنیً غیر الآخر. قال مراد قال الازهری. این عبارت ازهری است البته یک مقداری ملخّص نقل شده. ازهری در تهذیب اللغة، جلد ۱۱، صفحة ۳۱۴ این عبارت را آورده. قال و لکلّ واحد من اللفظین معنیً غیر الآخر فمعنی قوله لا ضرر ای لا یضرّ الرجل اخاه و هو ضد النفع و قوله و لا ضرار ای لا یضارّه کل واحد منهما صاحبه فالضرار منهما معاً و الضرر فعل الواحد. این یک معنا.

یک معنای دیگری دارد یک مقداری متفاوت می‌شود. و معنا قوله لا ضرار ای لا یدخل الضرر علی الذی ضرّه و لکن یعفوه عنه. کقوله تعالی ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه اداوه کأنّه ولیّ حمید.

قال ابن اثیر قوله لا ضرر ای لا یضر الرجل اخاه فینقصه شیءاً من حقه. این فینقصه شیءً من حقه همین چیزی هست کأنّ ضرر به معنای نقص وارد کردن در دیگری است. چیزی از حقش را کم کردن این ضرر هست. نمی‌دانم ضرر مثل نقص دو مفعولی استعمال می‌شود یا نمی‌شود. هنوز در استعمالات ندیدم، ضرر در زیداً درهما به معنای درهمی را ازش کم کردن. ینقصه شیءٌ من حقه دو مفعولی است. ولی آیا ضرر هم به همین شکل دو مفعولی به کار می‌رود یا نمی‌رود نمی‌دانم هنوز استعمال دو مفعولی‌اش را. مفادش را به نظر می‌رسد این مفاد می‌خواهد تفسیر کند که ضرر به معنای

شاگرد: فاء به معنای دو مفعولی نبوده. فینقصه

استاد: نه، این می‌خواهد تفسیر کند. لا یضرّ الرجل اخاه این تفسیر. تقریباً به معنای «أیّ» است. این را آورده برای اینکه تفسیر لا ضرر را می‌خواهد بیان کند.

و الضرار فِعالٌ من الضرّ ای لا یجازه علی اضراره بادخال الضرر علیه. و الضرر فعل الواحد و الضرار فعل الاثنین.

این دو تا معنا با همدیگر هم در کلام ازهری هم در کلام ابن اثیر در همدیگر دمج شده. یک بحث فعل الاثنین بودن است، یک بحث جزاء بودن است. فعل اثنین یعنی کاری به هر دو طرف نسبت داده می‌شود. جزاء فعل اثنین نیست، فعل شخص دیگری هست که در پاسخ فعل اوّلی داده می‌شود. شاید اینها می‌خواهند بگویند که ضرار هم فعل بادی است هم فعل مجازی است، ولی چون ضررش در مورد بادی وجود دارد این خودش قرینه است که مراد از ضرار جزاء هست به قرینة سبق لا ضرر که عطف چون ظهور دارد کأنّ تغایر دارد، ضرار یک معنای عامی است. هم کاری را که ضار انجام می‌دهد هم جزای بر کار ضار هر دو ضرار است. ولی چون لا ضرر آن را نفی کرده، لا ضرار مربوط به آن کار شخص دیگر. مثلاً اینجوری معنا کنیم.

الضرر فعل الواحد و الضرار فعل الاثنین و الضرر ابتداء الفعل و الضرار الجزاء علیه و قیل الضرر ما تضرّ به صاحبک و تنفتفع انت به و الضرار ان تضرّه من غیر ان تنتفع.

این معانی مختلفی که اینجا برای ضرر و ضرار ذکر شده این معانی نمی‌دانم از کجا این معانی در آمده چون در ریشة لغوی، در استعمالات، امثال اینها اینجور تفاوت‌ها دیده نمی‌شود. می‌خواهند یک جوری تفاوت بین لا ضرر و لا ضرار را در بیاورند که از تکرار در امان باشد چی است. به هر حال یک تفسیرهای خاصی شده که این تفسیرها

شاگرد: یک قاعده‌ای می‌گویند اذا اجتمعا افترقا شاید

استاد: آنها را کار ندارم. بحث اینکه به چه دلیل به این معناست. این معنای خاص از کجا همچین چیزی را استفاده کردیم.

شاگرد: برویم استعمال‌هایی را پیدا کنیم که هر دوی اینها با هم در کنار هم استفاده شده.

استاد: نکتة کلی هم عرض بکنم، اذا اجتمعا افترقا و اذا افترقا اجتمعا مطلب نیازمند به تحلیل است، یعنی اذا اجتمعا افترقا و اذا افترقا اجتمعا. آنها یک توضیحاتی دارد، آن توضیحات باید در جای خودش توضیح داده بشود. این یعنی چی اصلاً ادبی این قضیه چی است.

شاگرد: در قرآن هم مسجد ضرار، خودشان نفی می‌بردند.

استاد: نه حالا به هر حال نمی‌دانم.

از کجا همچین چیزهایی در آمده و امثال اینها، شخص اصلاً کاری را که برایش نفع نداشته باشد که انجام نمی‌دهد. فقط می‌خواهد به دیگری. مثال‌هایی که هست. نه من عمده‌اش اینکه منشاء این بحث‌ها چی است.

شاگرد: قضیة سمره انگار نفع خیلی نداشته.

استاد: نه نفع هم داشته، راحت‌تر بوده.

شاگرد: در برابر این همه درخت حاضر نشده.

استاد: نه، حالا آن به خاطر اینکه الواتی برایش مهم‌تر بوده. نفع نه نفع واقعی. نفع لات است طرف.

و قیل هما بمعنی و تکرارهما للتاکید. بعد عبارت‌هایی دارد که بعداً عرض می‌کنم.

اینها همة صفحة ۳۲ بود. یک عبارتی دارد که بعداً آن عبارت را نقل می‌کنم.

می‌گوید الضرر النقصان یدخل فی الشیء. در محکم، جلد ۸، صفحة ۱۴۸ هم هست.

اصل عبارت هم تقریباً به همین شکل با یک کمی تفاوت در کتاب العین، جلد ۷، صفحة ۷ هم وارد شده.

و در تهذیب اللغة، جلد ۱۱، صفحة ۳۱۴ می‌گوید: الضرر النقصان تقول دخل علیه ضررٌ فی ماله.

در کتاب محیط، جلد ۷، ص ۴۲۹ می‌گوید: الضرر نقصانٌ یدخل فی الشیء.

آنجا لا ضرر را معنا کرد: ای لا یضر رجل اخاه فینقصه شیءاً من حقه.

اینجا می‌گوید: الضرر النقصان یدخل فی الشیء.

این دو تا معنا با هم فرق دارد یا ندارد.

شاگرد: یدخل فی الشیء در لسان العرب است؟

استاد: بله. الضرر النقصان یدخل فی الشیء. این را داشته باشید کار دارم، تأکید می‌کنم به خاطر بحث‌های آینده است.

قوله عز و جل غیر اولی الضرر او غیر اولی الضمانة. در آیة شریفه‌ای که در مورد جهاد می‌گوید مجاهدین از غیر مجاهدین برتر هستند، کسانی که مجاهد نیستند، مثل مجاهدین نیستند در مجاهدینی که غیر اولی الضرر هستند. کأنّ آنهایی که جهاد نرفتند ولی به خاطر مشکلی جهاد نرفتند آنها نه، آنها در حد مجاهدین هستند.

ضمانه یعنی زمینگیری.

قال ابن عرفة ای غیر من به علة تضرّه و تقطعه عن الجهاد و هی الضرارة ایضا یقال ذلک فی البصر و غیره. هم در مورد بصر تعبیر می‌شود هم در مورد غیر بصر. البته یک معنای خاصی در خصوص نابینایی هست. ضریر به معنای خصوص نابینا به کار برده می‌شود. نمی‌دانم ضرر به معنای در خصوص نابینا ضرر بگویم یعنی نابینایی اِماء شاهدی داریم. ولی ضریر به معنای نابیناست. اضرّ به معنای نابینا شد، لازم است. اضرّ زیدٌ یعنی صار ضریرا. فرق هم دارد. آن اضرّ به معنای ضرر ایجاد کرد، اضرّ به معنای نابینا شد، لازم است. در شرح حال علی بن ابراهیم در رجال نجاشی هست و اضرّ فی وسط عمره. در وسط عمرش نابینا شد. آن اطلاق خاصی اضرّ و ضریر و امثال اینها. ولی فعل ضرّ یضرّ به معنای او را نابینا کرد به کار برود، یا ضرر به معنای نابینا کردن یا نابینا شدن، من فعلاً شاهد روشنی در ذهنم نیست.

در صفحة ۳۳ لسان العرب یک معنای دیگری برای ضرر دارد. می‌گوید الضرر الضیق و مکان ذو ضرر ای ضیق و مکان ضرر ضیّقٌ. کأنّ ضرر به دو معنا به کار می‌رود. هم به معنای ضیق به کار می‌رود هم به معنای ضیّق به کار می‌رود. در قاموس این معنا را روشن کرده و در تاج العروس، جلد ۷، صفحة ۱۲۴ هم این را روشن می‌کند که ضرر هم به معنای ضیق آمده است هم به معنای ضیّق آمده است. دو تا شعر به عنوان شاهد مثال ذکر کرده. می‌گوید قال ابن الاعرابی ماءها ۲۲:۵۳ ضررٌ ای ماءٌ نمیر فی ضیقٍ.

نمیر یعنی خیلی خوب، گوارا.

و اراد أنّه قذیر کثیر فمجاریه تضیق به و ان اتسعت.

یعنی آبش اینقدر زیاد است ضرر زیاد است که نمی‌تواند آن مجراهایش آن را تحمل کند و چشمه‌ای که خیلی ماءها یعنی تعریف بر خلاف تصور که آدم خیال می‌کند تنگ است، یعنی نمی‌تواند اینقدر این مجاری این چشمه این آب را تحمل کند همینجور می‌جوشد.

در صفحة ۳۴، الضرر ضیق یا ضیّق را هم به کار برده.

شاگرد: ضیّق مثل الزید عدلٌ دیگر.

استاد: حالا اینجوری تعبیر شده. فعلاً تحلیلش را کار ندارم.

در تاج العروس که علیشیری تحقیقش کرده، جلد ۷، صفحة ۱۲۲، اینجور دارد: الضارورا القحط ۲۴:۱۹ و الشدّة و الضرر و سوء الحال. این عبارت قاموس است که تاج العروس شرحش است.

زبیدی در شرح این عبارت می‌گوید هکذا فی النسخ التی بایدینا که و الضرر و سوء الحال. ایشان می‌گوید: و الصواب و الضرر سوء الحال. «و» زیادی است. و الضرر سوء الحال کما فی اللسان و غیره کالضرب بالفتح ایضاً و التضرّه.

عبارت قاموس را اوّل بخوانم بعد عبارت تاج العروس که شرحش است مشخص می‌شود:

عبارت قاموس: الضارورا القحط و الشدّة و الضرر و سوء الحال کالضرب و التَضِرّه و التضرّه.

عبارت تاج العروس بعد از اینکه توضیح می‌دهد که الضرر و سوء الحال «و» باید زائد باشد می‌گوید کالضرب بالفتح ایضاً و التَضِرّة بکسر الضاء و التَضُرَّة بضمّها. الأخیرة مثَّل بها سیبویه و فسّرها الصرافی. که این صرافی غلط است، صیرافی است. صیرافی و جمع الضرب الفتح الضُر ... الخ بعد یک بیتی می‌آورد.

در لسان العرب اینکه می‌گوید در عبارت لسان العرب همان و الضرر سوء الحال هست همان عبارتی بود که عرض کردم که از آن عبارت لسان العرب ذکر نکرده بودم می‌خواستم در ذیل همین تاج العروس ذکر کنم. الضارورا القحط و الشدّة و الضَرُّ سوء الحال و جمعه اضرّ، بعد یک بیت شعر می‌آورد و کذلک کالضرر. ضرر هم به معنای قحط و شدت و سوء الحال و امثال اینها. و التَضِرّة و التَضُرَّة الأخیرة مثّل بها سیبویه و فسّرها الصیرافی. عین همین را دارد.

در مطبوعة محکم، جلد ۸، صفحة ۱۴۸ عبارت این شکلی است. و الضَرّ سوء الضرر و التَضِرّة و التَضُرّة. این باید یک کلمة اینجوری باشد مثلاً و الضَرُّ سوء الحال مثل الضرر. و کذلک الضرر. عبارت باید افتادگی داشته باشد. با توجه به عبارت لسان العرب این افتادگی، یک جوری است، عبارت مشخص است که. عین عبارت لسان العرب است، و التَضِرّة و التَضُرّة الأخیرة مثّل بها سیبویه و فسّرها الصیرافی. محکم یکی از منابع لسان العرب است. اینجا لسان العرب هم عبارت محکم را که مصدرش است با آن تحریفش روشن می‌شود، هم عبارت قاموس که متأخر هست از لسان العرب آن مشخص می‌شود. این است که از عبارت لسان العرب هم عبارت صحیح منبع قبلی لسان العرب که محکم باشد، ما تقدم و ما تأخّر هر دویش را عبارت را روشن می‌کند.

غیر از اینها یک عبارت دیگری اینجا وجود دارد. در تاج العروس یک عبارتی دارد می‌گوید الضرر شفی الکهف ای حرفه. حرف یعنی طرف، گوشه. گوشة غار را الضرر تعبیر می‌کند. یکی از معانی ضرر در کتاب الجیم، جلد ۲، صفحة ۲۰۳ هم ضرر را به شفی الکهف معنا کرده.

کتاب العین، جلد ۷، صفحة ۷: الضرر الضمانة و منه قوله تعالی «غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ» که همان عبارتی بود که در ضمن لسان العرب هم بود.

در جمهرة اللغة، جلد ۲، صفحة ۱۰۰۷: می‌گوید الضرر مصدر. آنجا اسم مصدر بود، اینجا الضرر مصدر تعبیر می‌کند.

ضریر بیّن الضرر، اینجوری من عبارت را می‌خوانم. الضریر بیّن الضرر. ضریر کسی هست که «ال» هم ندارد. عبارت‌ها غلط نسخه‌ای است یا چی. الضرر مصدرٌ. ضریر (ال هم ندارد) بیّن الضرر. به طور طبیعی کلمه را که می‌خواهند معنا کنند با «ال» می‌آورند. مثلاً اینکه الضرر مصدر ضرر، یا ضرّة.

در کتاب مخصّص ابن سیده، جلد ۱۲، صفحة ۲۴۰. مخصّص عبارت‌های چیزهای مختلف را آورده. عبارت‌های نحوی‌های قبلی را آورده که این خیلی ارزشمند است. در باب نفع و ضرّ. نفع را معنا می‌کند. بعد یک لغوی را ذکر می‌کند، عبارتش را می‌آورد. لغوی بعدی عبارتش را می‌آورد. لغوی بعدی عبارتش را می‌آورد. ابو عبید، عبارتش این است: الضرّ ضد النفع، ضرّه یضرّه ضرّاً و ضررا و مضرّةً. اینکه ضرراً بعد از ضرّاً آورده ظاهرش این است که این را هم مصدر می‌داند نه اسم مصدر. بعدش هم مصدر میمی.

ابو زید می‌گوید: ضرّ به و اضرّ به.

اسمعی: ضارّه مضارةً و ضراراً.

ابو عبید: لیس علیک ضررٌ و لا ضاروره فامّ الضُرّ فسوء الحال.

ثعلب می‌گوید الضُرّ و الضرر و التضرّة سوء الحال.

آن عبارت بود تضرّ الأخیر مثّل بها سیبویه، این کأنّ آن تضرّة در کلام ثعلب نبوده در چیزهای لغوی اینها نبوده، این کلامی هست که سیبویه در کلامش تضرّة وارد شده.

بحث مصدر: آقای سیستانی در بحث‌های آینده در هیئت ترکیبیه که وارد می‌شوند می‌گویند چون ضرر اسم مصدر است در نتیجه یک معنای خاصی را برایش معنا می‌کنند. بعد می‌گویند ضرر به اعتبار اینکه اسم مصدر است.

الضرر معناً اسم مصدری یعبّر عن المنقصة النازلة بالمتضرر من دون اهتواءٍ نسوة صوریة کالاضرار و التنقیص.

این صحبت می‌کنیم که آیا واقعاً ضرر اسم مصدر است و اگر اسم مصدر هم باشد این تفسیرش این است که ایشان تفسیر کردند و بعد نتایجی برایش متفرّع کردند. نتایجی که برایش متفرّع کردند، این بحثی است که ان‌شاءالله در جلسة آینده در موردش صحبت می‌کنیم.

نکتة دوم وارد این بحث می‌شویم که استعمالات این واژه را هم ببینیم به چه شکلی هست. ان‌شاءالله در جلسة آینده. همچنین جلسة آینده یک اشاره‌ای به فرمایشات آقای صدر امروز نرسیدم. آقای صدر هم یک صحبت‌هایی دارند که این را در جلسة بعد در موردش صحبت می‌کنیم.

ما بیشتر محور بحث را کلمات لغویون و استعمالات قرار می‌دهیم. یک سری تحلیل‌های استنباطی را سعی می‌کنیم به حداقل برگزار کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

[پایان]